

## شخصیت‌های تاریخی در قاب یک نمایشگاه

نمایشگاه «حکایت همچنان باقیست» با هدف معرفی تصویرگران جوان شهرهای دیگر و مرور داستان‌های قدیمی ایرانی برپا شده است. نگین احتسابیان که نمایشگاه گروهی «حکایت همچنان باقیست» را در گالری دنا برگزار کرده است به خبرنگار مهر گفت: این نمایشگاه شامل ۵۴ اثر از ۵۴ تصویرگر است که با هدف معرفی تصویرگران جوانی که آثارشان شناخته شده نیستند، برگزار شده است. به گفته وی، ۵۴ تصویرگر هر یک با یک اثر از شهرهای تهران، اردبیل، تبریز، اصفهان و خرم‌دره در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند.

بر گزار کننده نمایشگاه تصویرگری «حکایت همچنان باقیست» تاکید کرد: هدف دیگر نمایشگاه در موضوع آن لحاظ شده است و افراد بر اساس موضوع به خلق آثار پرداخته‌اند. موضوع نمایشگاه داستان‌های قدیمی و افسانه‌های کهن ایرانی است و باید تصویرگران تصور می کردند که اگر آن کارا کترها در زمان حال زندگی می کردند زندگی شان چه تغییری داشت، یعنی اگر رستم یا خاله سوسکه در زمان حال بودند چه روزگاری داشتند.

وی افزود: تخیل ایمن ماجرا اتفاقات جذابی را رقم زده است و هر یک از کارها با طنز شیرین و تلخ یا شاعرانگی نشان می دهند که مثلاً اگر خسرو و شیرین در زمان حال بودند الان چطور زندگی می کردند. من تصویر شیرین را به صورت دختر امروزی در آورده‌ام که لب و گونه تزیینی و بینی عمل شده دارد و خسرو هم با یک موتور در حال رد شدن است و چون وضعیت مالی مناسبی ندارد اصلاً متوجه شیرین نمی شود. یا در اثری دیگر که به رستم در زمان حال اشاره دارد، تصویرگر رستم را نشان می دهد که راننده اسنپ شده است.

احتسابیان درباره عنوان این نمایشگاه تشریح کرد: عنوان نمایشگاه به این معناست که داستان‌های قدیمی همچنان اتفاق می افتد اما شکلش تغییر کرده است و نمی توان گفت که داستان‌ها مربوط به قدیم بوده است بلکه آن کارا کترها در دنیای امروز هم وجود دارند اما چون همه چیز دستخوش دگرگونی شده آنها هم نوع و سبک زندگی شان تغییر کرده است.



وی با اشاره به اینکه برگزاری این نمایشگاه در تهران قدمتی برای معرفی تصویرگران است تصریح کرد: با برپایی این نمایشگاه هنرمندان هم با تصویرگران تهرانی و هم با ناشران و افراد سفارش دهنده آثار آشنا می شوند. البته اینکه چقدر افراد اقبال داشته باشند که از سوی ناشران مورد توجه قرار گیرند بسته به ادامه فعالیتشان دارد.

بر گزار کننده نمایشگاه «حکایت همچنان باقیست» درباره ارائه آثار هنرمندان نام آشنا در کنار جوان ترها تشریح کرد: در این نمایشگاه آثار تصویرگرانی که بیشتر در شهرهای دیگر زندگی می کنند در کنار افراد شناخته شده و هنرمندان قدیمی حوزه تصویرگری قرار گرفته است.

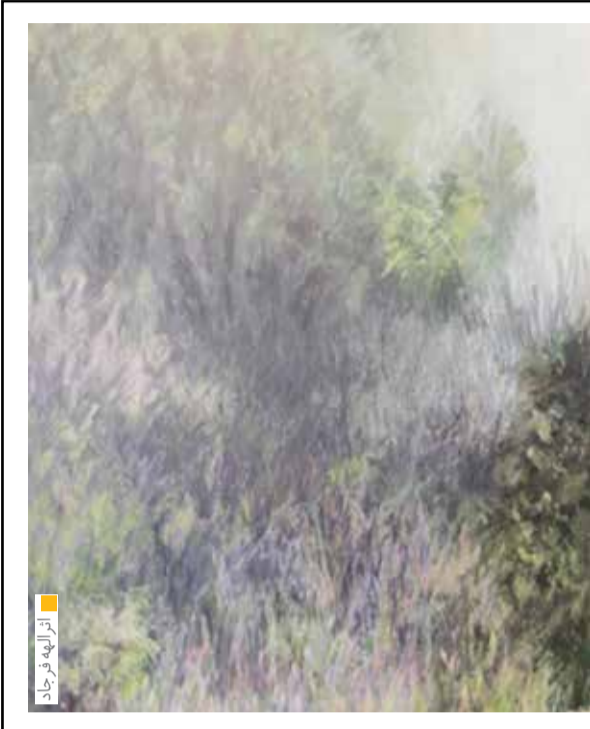
احتسابیان افزود: وقتی هنرمندان یک نمایشگاه صرفاً از جوانان تشکیل شده باشد هم وقت گرفتن از گالری دار برای برپایی نمایشگاه سخت می شود و هم ممکن است مخاطب کمتری از آثار دیدن کند در حالی که با قرار گرفتن آثار هنرمندان جوان در کنار هنرمندان شناخته شده و نام آشنا برخی افراد را که سال‌ها در حوزه تصویرگری فعالیت کرده‌اند اما چون موقعیت دیده شدنشان فراهم نشده یا نمایش آثارشان کمتر بوده است، معرفی می کنیم.

وی اظهار کرد: وقتی زمینه آشنایی و معرفی هنرمندان جوان به وجود نیاید در همه جا با اسامی تکراری مواجه می شویم و این ذهنیت به وجود می آید که بسیاری از کارها سفارشی هستند و یکسری از انتشارات فقط از یکسری هنرمند تصویرگر استفاده می کنند.

احتشامیان درباره نحوه انتخاب هنرمندان تصویر شهرهای دیگر گفت: یکسری ورکشاپ در شهرهای مختلف داشتیم که باعث آشنایی ام با تصویرگران این شهرها شد و همین امر ایده برپایی نمایشگاه با هدف معرفی تصویرگران جوان را به وجود آورد.

نگاهی به نمایشگاه نقاشی های سه هنرمند در گالری های تهران

# انگشت اشاره به کدام سواست؟



دارد؟ هنرمند به دنبال بازنمایی نزدیک به واقعیت فضاهایی که هر یک از ما ممکن است در اطرافمان با آن روبه رو باشیم، همزمان امر بیرونی و درونی را نیز کنار هم می نشاند تا از هر گونه مرزبندی میان عواطف درونگرایانه و واقعیت فیزیکی برهیزد. اشاره هنرمند به این ترتیب موقعیتی را نشان می رود که می تواند به موقعیت اثباتی تعبیر شود؛ موقعیتی که هنرمند دست کم به عنوان بستری برای آشکاری حقیقت در جستجوی آن است یا آن را به نحوی طلب می کند. این وضعیت است که تضادها در آن به حداقل می رسند و لغزندگی موقعیت‌ها جای خود را به ثبات و پایداری می دهد. جایی که تغییر دم به دم معنای اشیاء و فضاها را خت بر می بندد و در پی آن با اطمینان خاطر بیشتر می توان بر آنچه پیش رو پدیدار می شود تعلق داشت.

**در گیرودار تضاد نور و تاریکی**  
مجموعه نقاشی های اکرم محمودی در گالری تالار این جا و با عنوان «نه روز و نه آفتاب» که حاصل تلاش چهار سال اخیر اوست، مفهومی بینابینی را دنبال می کند که به طرز آشکار در عنوان نمایشگاه تبلور یافته است. آثار هنرمند در این مجموعه فضاهای داخلی تاریک و روشن محیط زندگی اش با نورهای لغزان را به عنوان مضمون اصلی این آثار برگزیده است. هنرمند در این مجموعه در گیرودار تضاد نور و تاریکیست، گاهی تاریکی و سایه هادر فضا گسترده می شود و گاه نوری اندک در دل تاریکی اتاق نفوذ می کند. نور بی رفق، گریزان، نور غروب معنای هر جسمی را که بر روی آن می نشیند تغییر می دهد. ایده اصلی او همین اضطراب حاصل از تغییر معنای اشیاء و فضاهاست. اما این موقعیت بینابینی به کدام نشانی اشاره

نمی کند، تا اندازه یادی دور از دسترس و ناپیدایی نماید. هر چند هنرمند خود را ناگزیر از بشارت گریزگاهی از این کابوس‌های بیند. در توصیف هنرمند از این برآشفنگ‌ها که بر نقاشی هایش حاکم است می خوانیم: «در ادامه این زمین گیر بودن به ظاهر همیشگی، سراسر جغرافیای هستی ام مزین به لاشه زار پست پولادین و مدفون به زیر غبار و خاکستر. رویای عبور از حقیقت این افق مرگ افکن و رهایی از هم نشینی این ارواح عزادار مرا وامی دارد تا این میهمانی شبانه مرگ را پایان بخشم و هجوم سنگین توفان این تباهی را پس زخم و در هم تنیدگی ناخوشایند را به سمت رهایی طی کنم. کاوش مدرن حس کامل را خارج از مرز، خارج از هر گونه تاج گذاری و یا انتخاب جمعی تا به دست آورم خویشتن باکره ام را در افق مطلق.»

بزرگ است؛ فقدانی در تلقی از چگونگی زیست انسانی که انگار در عین نزدیکی انگاره ای از یادرفته و گمشده است و هنرمند لازم می داند بر این فقدان گواهی دهد. اشاره‌هایی در آثار هنرمندان تجسمی را مشخصاً چگونه می توان دریافت کرد و شناخت؟  
**انگارهای یادرفته و گمشده**  
«کمی آنطرف تر» عنوان مجموعه ای از نقاشی های الهه فرجاد که در گالری سایه به نمایش درآمده، نشانی مورد نظر هنرمند را در جلوه‌هایی از فضای طبیعت بازشناسی می کند. فضایی بکروبی پیرایه که عناصر طبیعی تمامیت آن را تشکیل می دهند و از هر گونه عنصر مصنوع تهی است. هنرمند در عنوان نمایشگاهش به طرزی آشکار نشانی مورد نظرش را به میان می کشد؛ کمی آنطرف تر، عنوانی شاعرانه مابانه که به دیگر سو بی خارج از حیطه روزمرگی های مسا دالت دارد. آنطرف تر اما پیش از آنکه اشاره به مکان یا فضایی مشخص را مقصود خود داشته باشد، به نظر می رسد یادآور یک فقدان

بهر روز فانیان  
انگشت اشاره هنرمند، از خلال آثاری که در یک مجموعه ارائه می دهد چگونه مارا به نشانی‌هایی مشخص رهنمون می شود؟ هنرمند بر پایه چه انگیزش‌هایی تلاش دارد تا مخاطب خود را از طریق این نشانی‌ها آنچه در پس نقش آفرینی هایش دنبال می کند، تحت تاثیر قرار دهد و رو در روی با آن قرار دهد؟ اشاره به دیگر سو، یا آنچه به زعم هنرمند از دیده‌ها پنهان مانده، می تواند به عنوان گزینشی عام در هنرهای تصویری در نظر گرفته شود، اما ماهیت چنین اشاراتی چیست و در چه اشکالی بروز و ظهور می یابد؟ واضح است که در این مسیر شیوه های بیان هنری از یک سو و مکتب‌های دغدغه‌های ذهن هنرمندان اشکال بسیار متنوع و متکثری را پیش روی ما خواهد گذاشت؛ اما مصداق‌های چنین

انگشت اشاره هنرمند، از خلال آثاری که در یک مجموعه ارائه می دهد چگونه مارا به نشانی‌هایی مشخص رهنمون می شود؟ هنرمند بر پایه چه انگیزش‌هایی تلاش دارد تا مخاطب خود را از طریق این نشانی‌ها آنچه در پس نقش آفرینی هایش دنبال می کند، تحت تاثیر قرار دهد و رو در روی با آن قرار دهد؟ اشاره به دیگر سو، یا آنچه به زعم هنرمند از دیده‌ها پنهان مانده، می تواند به عنوان گزینشی عام در هنرهای تصویری در نظر گرفته شود، اما ماهیت چنین اشاراتی چیست و در چه اشکالی بروز و ظهور می یابد؟ واضح است که در این مسیر شیوه های بیان هنری از یک سو و مکتب‌های دغدغه‌های ذهن هنرمندان اشکال بسیار متنوع و متکثری را پیش روی ما خواهد گذاشت؛ اما مصداق‌های چنین

## گزارش

نگاهی به نمایشگاه نقاشی «کنج» و آثار سالومه پزشکی پور

## کنج تجربه استعلا و ملانکولیا

### امیر هوشنگ الهی

نمایشگاه نقاشی کنج حاصل تلاش دو نقاش جوان است. هر دو پیش از این، هم‌نمایشگاه انفرادی داشته و هم در نمایشگاه‌های گروهی حضوری فعال داشته‌اند. در این نوشته قصد دارم کاریکی از آن‌ها را بررسی کنم. هر چند که به لحاظ تماتیک آثار هر دو به هم مربوط است. سالومه پزشکی پور از اواخر دهه ۷۰ در کلاس‌های آیدین آغداشلو شروع به آموختن طراحی کرد و سپس به سراغ آب‌رنگ رفت و در سال‌های ۸۴ و ۸۵ و نمایشگاه انفرادی برگزار کرد. پس از آن به سراغ اکریلیک و بعدتر رنگ روغن رفت و تلاش کرد تجربه‌ای متفاوت را بیازماید. از اواخر دهه ۸۰ به کلاس‌های معصومه مظفری وارد شد و شروع به تجربه‌ی تازه‌ای در فرم و فضا کرد. محصول این کنکاش و جست‌وجوی او در سال ۹۰ به نمایشگاه لباس‌ها در گالری والی انجامید. نمایشگاه کنج سومین نمایشگاه جدی پزشکی پور است که تعداد زیادی از کارهایش را به نمایش گذاشته است. ۲۶ اثر در این نمایشگاه روی دیوار رفته‌اند. آثاری که با ممداد طراحی به صورت سیاه و سفید ترسیم شده و در قطع ۵ در ۷ سانتی‌متر در گالری هفت ثمر به نمایش درآمده‌اند. هر اثر، تصویری‌اند بدون فیگور انسانی، از گوشه‌های دنج در خانه یا اتاقی. می‌توان آن‌ها را نقاشی‌هایی از فضاهای داخلی دانست. آثار، با وجودی که سیاه و سفیدند اما طراحی نیستند. تمام نقاشان آثاری را طراحی می‌دانند که خط در آن‌ها قدرت بیان کندگی آشکاری داشته باشند. در صورتی که در این تابلوهای کوچک، ممداد طراحی فقط ابزار و ماده‌ای برای بصری کردن ایده‌های نقاش است و خط در آن بر جسته و موکد نیست و قدرت



ملا نکولیاست. تصویر لحظه‌ای از فضایی روزمره با طیف رنگی خاکستری بدون هیچ فیگور انسانی، نوعی تجربه مایلیخولیا است. تعالی همراه با مایلیخولیا و درنگ همراه با سکون احساس‌هایی پیچیده از نمایش فضاها و صحنه‌های داخلی هستند. این‌ها همگی تجربه انسان مدرن است. انسانی که از روشنگری عبور کرده به قرن بیستم وارد شده، می‌تواند همه این‌ها را توانم تجربه کند. نقاشی‌های افرادی نظیر ویلهلم همرز هوی، پی‌یر بونا، ادوارد دهاپر، اندرو وایت چنین دیالکتیک پیچیده‌ای از احساس را برای مخاطبان نشان ایجاد می‌کنند.

**تجربه استعلا و ملانکولیا در کنج‌های پزشکی پور**  
سالومه پزشکی پور در این آثار به طور ویژه‌ای تحت تاثیر فضاهای داخلی همز هوی است. کاملاً می‌توان تشخیص داد مدتی طولانی بر روی این آثار تامل و مطالعه کرده است. البته رد پای آثار نقاشان دیگری مثل وایت و هاپر هم در نقاشی هایش نمایان است. حتی تأثیری از آثار اولیه معصومه مظفری که همگی تجربه‌ای از فضا هستند هم در کارهایش نمایان است. اما این به این معنا نیست که کارهایش تقلیدی خام‌دستانه است بلکه کاری است یکسره تازه و حتی تجربه‌های نقاشان قبلی را تا سر حد خود ادامه داده و رادیکال کرده است. در ۲۶ اثر نمایشگاه حاضر، تصویر لحظه‌ای گذرا را شاهدیم که احتمالاً اگر دقت کنیم در زندگی هر روزمان آن‌ها را می‌بینیم. کنجی از اتاقی بانوراندکی روشن شده است. روی میلی یا صندلی‌ای نوری تابیده و کمی روشن‌تر شده است. پایه کتابخانه یا قفسه‌ای که بانور روشن شده است. می‌توان تمام ۲۶ کار را این‌گونه معرفی کرد. تا این جا هم چنان در سنت فضاهای

ملا نکولیاست. تصویر لحظه‌ای از فضایی روزمره با طیف رنگی خاکستری بدون هیچ فیگور انسانی، نوعی تجربه مایلیخولیا است. تعالی همراه با مایلیخولیا و درنگ همراه با سکون احساس‌هایی پیچیده از نمایش فضاها و صحنه‌های داخلی هستند. این‌ها همگی تجربه انسان مدرن است. انسانی که از روشنگری عبور کرده به قرن بیستم وارد شده، می‌تواند همه این‌ها را توانم تجربه کند. نقاشی‌های افرادی نظیر ویلهلم همرز هوی، پی‌یر بونا، ادوارد دهاپر، اندرو وایت چنین دیالکتیک پیچیده‌ای از احساس را برای مخاطبان نشان ایجاد می‌کنند.

**تجربه استعلا و ملانکولیا در کنج‌های پزشکی پور**  
سالومه پزشکی پور در این آثار به طور ویژه‌ای تحت تاثیر فضاهای داخلی همز هوی است. کاملاً می‌توان تشخیص داد مدتی طولانی بر روی این آثار تامل و مطالعه کرده است. البته رد پای آثار نقاشان دیگری مثل وایت و هاپر هم در نقاشی هایش نمایان است. حتی تأثیری از آثار اولیه معصومه مظفری که همگی تجربه‌ای از فضا هستند هم در کارهایش نمایان است. اما این به این معنا نیست که کارهایش تقلیدی خام‌دستانه است بلکه کاری است یکسره تازه و حتی تجربه‌های نقاشان قبلی را تا سر حد خود ادامه داده و رادیکال کرده است. در ۲۶ اثر نمایشگاه حاضر، تصویر لحظه‌ای گذرا را شاهدیم که احتمالاً اگر دقت کنیم در زندگی هر روزمان آن‌ها را می‌بینیم. کنجی از اتاقی بانوراندکی روشن شده است. روی میلی یا صندلی‌ای نوری تابیده و کمی روشن‌تر شده است. پایه کتابخانه یا قفسه‌ای که بانور روشن شده است. می‌توان تمام ۲۶ کار را این‌گونه معرفی کرد. تا این جا هم چنان در سنت فضاهای

ملا نکولیاست. تصویر لحظه‌ای از فضایی روزمره با طیف رنگی خاکستری بدون هیچ فیگور انسانی، نوعی تجربه مایلیخولیا است. تعالی همراه با مایلیخولیا و درنگ همراه با سکون احساس‌هایی پیچیده از نمایش فضاها و صحنه‌های داخلی هستند. این‌ها همگی تجربه انسان مدرن است. انسانی که از روشنگری عبور کرده به قرن بیستم وارد شده، می‌تواند همه این‌ها را توانم تجربه کند. نقاشی‌های افرادی نظیر ویلهلم همرز هوی، پی‌یر بونا، ادوارد دهاپر، اندرو وایت چنین دیالکتیک پیچیده‌ای از احساس را برای مخاطبان نشان ایجاد می‌کنند.

ملا نکولیاست. تصویر لحظه‌ای از فضایی روزمره با طیف رنگی خاکستری بدون هیچ فیگور انسانی، نوعی تجربه مایلیخولیا است. تعالی همراه با مایلیخولیا و درنگ همراه با سکون احساس‌هایی پیچیده از نمایش فضاها و صحنه‌های داخلی هستند. این‌ها همگی تجربه انسان مدرن است. انسانی که از روشنگری عبور کرده به قرن بیستم وارد شده، می‌تواند همه این‌ها را توانم تجربه کند. نقاشی‌های افرادی نظیر ویلهلم همرز هوی، پی‌یر بونا، ادوارد دهاپر، اندرو وایت چنین دیالکتیک پیچیده‌ای از احساس را برای مخاطبان نشان ایجاد می‌کنند.